

نویسنده- (Alfred W McCoy)

پرو فیسور تاریخ در:

University of Wisconsin-Madison. ایالات متحده امریکا



پروفسور: محمد عرفان

لندن-مورخ 12 اپریل 2010

## جنگهای تر یاک در افغانستان

مسایل که تا کنون از انظار اکثر ناظرین سیاسی بدور مانده است، عبارت است از گریختن اداره با رک او با ما در یک چرخشگاه بی پایان "مرگ" و "مواد مخدر" در افغانستان بوده که برای آن نه آشکارا راه خروج و نه به سهولت راه پایان دیده میشود.

بعد از یکسال مباحثات احتیاط آمیز و جای پرهزینه نیروهای مسلح، آقای او با ما در 13 فبروری سال روان استراتژی جدید جنگی خویش را در یک ساحه دور دست در «مارکیت شهری» ما رجه در حوزه جنوبی افغانستان یعنی ولایت هلمند براه انداخت. طوریکه شمار زیاد هلیکوپترها در حومه مارجه دیسانت گردید و در میان برانگیختن انبوهی از گرد و خاک، صد ها تن از سر بازان ارتش امریکایی از بالای زمین های خشخاش بسوی حصار های "گلی" که در خود صد ها لابراتوار تولید هیروین را پنهان نموده بود سر ایزر گر دیدند؛

بعد از یک هفته نبرد قوماندان نظامی ایالات متحده امریکا، جنرال مک کریستال با همراهان خویش، معاون رییس جمهور افغانستان و والی هلمند به منظور جلب توجه رسانه ها در مورد استراتژی جدید نظامی و تسلط حاکمیت در قراء دور دست کشور مثل "مارجه" به سرعت نمایان گردید.

قوماندان امریکایی که در یک متینگ و ملاقات احتیاط آمیز دو صد نفری که با خشم و اعتراض رو ستایان و تحدید شان در مورد برنامهدار کشت خشخاش مواجه شده بودند بطور عجیبی از اینکه ما رجه با داشتن صد ها لابراتوار هیروین در میان منازل که بطور منظم پروسس خشخاش و تولید هیرو

بین را پیش میبرد و لقب " **پایتخت هروین** " جهان را به خود تخصیص داده است ، بیخبر جلوه مینمودند . رویهمرفته مزارع مربوط به هلمند "40" فیصد تولیدات خالص تریاک جهان را احتوا نموده که تجارت مقدار زیاد این محصولات در مارج صورت میگیرد . چنانچه یک کارمند سفارت ایالات متحده امریکا در کابل که ساحت مورد نظر را مورد تفتیش قراردادها طرنشان ساخت : **« شما بدون مهار ساختن تولیدات هیروین در هلمند ، به جنگ پیروز نخواهی شد »**.

به سلسله واکنشهای قبلی پیرامون موضوع خشکاش ، مشاور امنیت ملی ایالات متحده امریکا James L Jones " به خبرنگاران اطمینان داد که آقای اوباما تلاش خواهد نمود تا آقای کرزی را برای اولویت بخشیدن مبارزه در جهت مبارزه با فساد و تجارت مواد مخدر که به منزله ماشین اقتصادی برای شورشیان میباشند ، تشویق نماید .

با توجه به عکس العمل زارعین مارج در برابر قوماندانان عمومی ایالات متحده امریکا و برهم زدن پروگرام خبری اش ، این محصولات خشکاش آنها بوده که برای مدت 30 سال ، تمام رژیمها را در افغانستان سرنگون نموده است . **در جریان " جنگ مخفی " سیادرسالهای 80 ، این تریاک بود که به تا مینکننده وجوه مالی مجاهدین مبدل شده و اتحاد شوروی را مجبور به خروج ساخت و باعث سقوط نظام طرفدار شوروی در افغانستان گردید .**

در اواخر سالهای 1990 ، حینیکه گروه طالبان نیروی خویش را در اکثر نقاط کشور چیره نموده بود ، چانس مشروعیت خویش را در برابر جوامع جهانی به علت حمایت آن گروه از تولید و تجارت مواد مخدر و مفاذیرا که از این معاملات بدست میآوردند ، از دست داد و بعداً بطور عجیبی ، زمانیکه برعکس جریان قبلی ، زرع خشکاش را ممنوع ساختند ، فقط چند ماه بعد از آن قدرت ساخت را شدند .

بعد از مدخله ایالات متحده امریکا در سال 2001 در افغانستان ، تشدید معاملات تریاک در کشور ، حاکمیت کابل را فاسد نموده و در عین زمان باعث تقویت نیروی طالبان و کنترل بیشترشان در ولایات کشور شده است ؛ با پیدگفت که تداوم جنگهای مستمر در افغانستان باعث رشد بیرحمانه محصولات تریاک در کشور گردیده چنانچه میزان محصولات که در سال 1979 بالغ بر 250 تن بود ، در سال 2007 به 8200 تن ارتقا نمود . که در حال حاضر 50% محصولات خالص ملی را احتوا نموده و 90% هیروین جهان را تولید و تحیه میدارد ؛

در سالهای اخیر فارمهای خشکاش که هر گاه از یکسو بتعداد «500000» فامیل افغان را که تقریباً 20% نفوس کشور را در بر میگیرد ، تغذیه نموده ، در

عین زمان با عث ایجاد بنیاد مالی برای طالبان نیز شده که شبکه های آنها از سال 2006 در اطراف کشور توسعه یافته است.

سوالی را که وا شنگتن طی «9» سال اخیر از آن طفره رفته است با ید پر سیده شود که آیا کسی بطور تمام عیار "کشورمخدر" مثل افغانستان را آرام خواهد توانست؟

جواب این سوال جدی، مرتبط است به تاریخ سه جنگ افغان که وا شنگتن طی 30 سال اخیر در آن درگیر بوده است. جنگ مخفی سیا در سالهای 1980، جنگ های تنظیمی سالهای (1990 که در آغاز بوسیله سیا 900 میلیون دالر هزینه مالی گردید)، و تجاوز و اشغال افغانستان بوسیله امریکا در سال 2001 و کمپاین مبارزه با تروریسم؛

در هر یکی از این جنگ ها، ایالات متحده امریکا، تجارت مواد مخدر را با متحدین افغانی خود، به قیمت پیروزی نظامی خویش، همراهی نموده است. البته پالیسی ملایم که اکنون افغانستان را به کشور نمبر یک مواد مخدر در جهان مبدل نموده است؛

توسعه مزارع خشخاش که بوسیله جنگ مخفی سیا علیه اتحاد شوروی در افغانستان آغاز یافت، به حیث نیروی کلیدی در سیاست افغانستان در جنگ مخفی سیا علیه اتحاد شوروی و سرانجام در برخی از عملیات های مخفی در نوار کوهستانی آسیا که مساحت «8000» کیلومتر را از ترکیه تا یلند احتوا مینماید ظاهر گردید؛

در اواخر سالهای 40 زمانیکه جنگ سرد نیرو می گرفت ایالات متحده امریکا، برای بار اول آزمایش مخفی را در شکم "کمونیسیم آسیای" بکار برد. پس از آن برای مدت 40 سال جنگ های موفقانه را در این نوار کوهی در سال 1950 در برما «میانمار» در سال 1960 در لائوس و افغانستان در سال 1980 بسر رسانید. در یک تصادم مشهور تاریخی، کشور کمونیستی چین و اتحاد شوروی در عین نوار کوهستانی این زون تریاک بطور همزمان قرار گرفتند که پای "سیا" را در میان متحدین مشکوک و جنگ سالاران پر قدرت منطقه می کشانید.

جنگ اول وا شنگتن علیه افغانستان در سال 1979، زمانیکه اتحاد شوروی بر افغانستان تجاوز (!) نمود و سعی کرد تا رژیم مارکسیستی (!) را در کابل حمایت نماید، آغاز گردید. در کابل فرصتی برای اداره ریگن پدیدار گردید تا انتقام خویش را از دشمن دوران جنگ سرد خود ستانیده و بدینوسیله اداره ریگن بطور نزدیک با دیکتاتور پاکستان در یک کمپاین ده ساله سیا، کار نمود تا شوروی ها را از افغانستان خارج نماید؛

این هر چند برخلاف سایر جنگ های سرد، یک عملیات مخفی بود، اما قبل از همه، تصادم عملیات مخفی سیا و جنگ اتحاد شوروی، باعث ویرانی محیط شکننده کشور کوهستانی و خساره مند ساختن جبرانناپذیر زراعت عنعنوی و رشد تجارت جهانی مواد مخدر گردید. با زمان سیا برخلاف سال های جنگ در کشور های لائوس و ویتنام که جنگ مخفی را در اختیار خود داشت، اینبار با زمان

سیا قسمت زیاد عملیات های خویش را به سا زمان استخبا راتی پا کستان « آی اس آی » محول نمود که به زود ترین فرصت به نیروی بزرگ و متحدجنجال بر انگیز مبدل گر دید ؛

**زما نیکه " آی اس آی " هوادار خویش حکمتیار را به حیث رهبر عمومی مقا ومت درجنگ علیه شوروی پیشنهاد نمود و اشنگتن با چنین الترنتیف اظهارموا فقت کرد که درجر یان 10 سال آینده سا زمان سیا حدود دو بلیون دالر برای مجا هدین افغان از طریق " آی اس آی " تدا رک نمودکه البته نصف آنرا برای حکمتیار کسیکه بنام شرارت پیشه و بنیادگرا ،وتیزاب پاش برروی دختران دانشگاه کابل و قا تل رهبران مقاومت اپو زیسیون شهرت یافته بود اختصاص داد ؛**

**زما نیکه عملیات سیا در ماه می 1990 دچار اشکالات گر دید ، و اشنگتن پست در سر مقاله خویش منتشر ساخت که حکمتیار عملیات شبکه لا برا توار هیروین را در داخل پا کستان تحت حفاظت " آی اس آی " به پیش میبرد .**

هر چند این ساعات ، در اواسط سال های 1970 قا بلیت تو لید اندک هیروین رابه خود اختصاص نموده بود ، اما جنگ مخفی سیا به حیث " کتلیست " ساحه مرزی " افغانستان - پا کستان " را به منطقه بزرگ هیروین جها نی مبدل نمود ، طو ریکه جنگ جو یان مجا هدین سا حات عمده را در داخل افغانستان در اوا یل سال های 1980 تصرف نمود ، ایشان جمع آوری تکس " انقلابی " خشخاش را از طریق دها قین هوا دار خویش آغاز نمودند ؛

زما نیکه جنگجویان افغان تر یاک را در نوار مرزی انتقال نمودند ، آنها تر یاک متذکره را برای لابر توار های هیروین که تحت حفاظت " آی اس آی " فعالیت مینمودند بفروش میر سا نیدند . میان سا لهای 1981- 1990 تو لید تر یاک افغانستان به مقدار ده برابر رشد نمود واز مقدار 250 تن به «2000» تن ارتقا یافت . فقط پس از دو سال حمایت مخفی " سیا " از جنگجویان افغان ، دادستان کل ایالات متحده امریکا در سال 1981 اعلام داشت که پا کستان به منبع تامین کننده 60% هیروین شهروندان امریکا مبدل شده است . در سا حات ارو پا و روسیه هیروین " افغان - پا کستان " ، به زودی بخش اعظم ما رکیتهای منطقه را به خود جلب نموده ودر حا لیکه در داخل پا کستان تعداد معتادین به رقم صفری خویش در سال 1979 قرار داشت ، فقط پنج سال بعد تر ، این رقم به 1.2 ملیون تن ارتقا نمود .

**بعد از سر ما یه گذاری 3 بلیون دالر برای ویرانی افغانستان ، و اشنگتن در سال 1992 افغانستان را ترک کرد ودر عقب خویش یک افغانستان ویرانه را با یک ملیون کشته ، 5 ملیون مهاجر و حدود 10-20 ملیون ماین زمینی ، تا سیسات ویران ، اقتصاد ور شکسته ، جنگ سا لا**

**ران مسلح قبا یلی که آماده جنگ با هم در را بطه با کنترل پا یتخت اند ، بجا گذاشت . حتی زما نیکه بلا خره وا شنگتن هزینه جنگ مخفی سیا را درپا یان سال 1991 قطع نمود ، اما " آی اس آی " پا کستان تلاش نمود تا از جنگ سا لا ران محلی مورد نظر خویش حما یت نموده تا اهداف دایمی خویش را برای بر قراری رژیم مورد نظر در کا بل تعقیب نماید ؛**

تر ینک سا لا ران ، " اژده ها دننا نان " جنگ جو ین دوران سا لهای 90، جنگ سا لا ران بیرحم محلی با امکا نات سلاح وتر ینک ، در ینک تو طئه شیطننت آمیز ، به حیث بخشی از مبا رزه بیرحمانه برای قدرت ، همه پدیده های بو دند ، مثل ین که " اژده ها دننا نان " ما نند افسانه های با ستانی در خاک افشا نده شده وقادر بو دند تا بطور نا گهانی در میان هر نوع ارتش مجهز جنگ جو ین ، کسانیکه با شمشیر جنگ از زمین پدید آمده بو دند ، پرش نمایند .

سرانجام زما نیکه نیروهای مقاومت شمال کا بل را از تصرف رژیم کمونست (!) که مدت سه سال پس از خروج نیرو های شو روی مقاومت کرد ، بیرون نمود پاکستان هنوز حکمتیا ر هوا دارخویش راحما یت مینمود . وی توپخانه جنگی خویش را در اطراف شهر محاصره شده کا بل جا بجا نمود ، که با عث قتل 50 هزار افغان دیگر گر دید ، اما با آنهم ، تناسب ین کشتار بزرگ و تاریخی ، نتوانست تا سر نوشت حکمتیار ین بنیاد گرایی بد نام را بر اورنگ قدرت در کا بل تسجیل نماید ، لذا « آی اس آی » نیروی جدیدی را بنام طابان مسلح ساخت که در سپتامبر سال 1996 کا بل را تصرف نمودند تا محض با نیرو های اتحاد شمال برای مدت پنج سال در دره های شمالی پا یتخت جنگ نمایند ؛

در جریان ین جنگ به ظاهر پا ین نا پذیر ، جناح های رقیب بطور عمده بر تولید تر ینک تکیه نمودند تا هزینه جنگ را عمدتا با از دیاد میزان دو برابر تر ینک یعنی ارتقای 4600 تن در سال 1999 تدارک نمایند . در جریان دودهه جنگ و 20 برابر افزایش میزان تولید مواد مخدر ، افغانستان خود به آهستگی از کشور دارای سیستم متعدد زراعتی ، مالداری و باغداری و تولید بیش از 60 نوع محصولات زراعتی ، به اولین کشور که اقتصادش محض بر یگانه مواد ناخالص مخدر متکی گر دید ، انتقال یافت ؛ محیط شکننده انسانی اش بطور بیسابقه ویران گر دید ؛

رژیم طابان پس از تصرف قدرت در سال 1996 با عث تشویق زرع خشخاش در سراسر کشور گردیدند ، که ین رویکرد حجم تولید تر ینک را دو چند ساخته و آنرا به 4600 تن معادل 75% هیروین جهان افزایش بخشیدند . رژیم طابان با ارایه سیگنالهای حما یت شان از تولیدات مواد مخدر به جمع آوری 20% مالیات از تولید سا لانه تر ینک مبادرت نموده که بدینوسیله حدود « 100 میلیون دالرسالانه نفع برداری مینمودند .

در جریان سالهای 1990 ، افزایش میزان محصولات تر ینک در افغانستان باعث تجارت قاچاق بین المللی گر دید که حوزه آسیای مرکزی ، روسیه و اروپا را

به مارکیت سلاح، مواد مخدر و مارکیت "پول-چاق"، پیوست ساخت. این پدیده همچنان باعث وقوع شورش‌های قومی در ساحه 5000 کیلومتر از پاکستان در آسیای مرکزی تا بوسنیا در حوزه بالکان گردید؛ مگر در جولای سال 2000 میلادی رهبران بطور ناگهانی فرمان قطع کامل کشت خشخاش را به منظور کسب شناسائی حکومت از جانب کشورها صادر نمود، که بطور قابل ملاحظه عمدتاً شب هنگام، رژیم طالبان با کاربرد ستم بیرحمانه یعنی رویش‌های را که به آن شهرت داشت، بکار برد تا اینکه محصولات تریاک را از میزان 94% به 185 تن کاهش داد. اما در نتیجه با توجه به اینکه بخش‌های بیشتر افغانستان به سیستم مالیاتی خشخاش، عواید صادراتی و مشاغل کاری به آن وابسته شده بود، در عمل ممنوع ساختن کشت خشخاش حکم "خودکشی اقتصادی" را داشت که قبلاً جامعه ضعیف افغانستان را به پرتگاه سقوط کشانیده بود. در واقع این یک سلاح اشتباه آمیزی بود که ایالات متحده آمریکا از آن در هنگام عملیات نظامی اش در اکتوبر 2001، خوب استفاده نمود که در نتیجه رژیم بدون تریاک قبلاً به گلوله توپ میانتهی می‌مبدل شده بود که به انفجار نخستین بمب‌های آمریکای متلاشی گردید.

برگشت سیا، تریاک و فعالیت‌های ضد دهشت‌انگیز برای شکست طالبان پس از حادثه یازده سپتمبر، باعث شد تا "سی‌ای‌ای" بطور موفقانه توانست تا جنگ سالاران سابق و تاجران هیروین را سازماندهی نموده تا شهرها و قصبات را در مناطق شرقی افغانستان تصرف نمایند. به عبارت دیگر سازمان سیا و متحدین محلی آن موقعیت ایده‌آل را برای بازگشت مجدد تریاک و احیای مجدد قاچاق مواد مخدر که در زمان طالبان منع شده بود، ایجاد نمودند. فقط چند هفته بعد از سقوط طالبان، ما مورین، از فوران کشت خشخاش در هلمند «قلب هروین» و ننگرهار خبر دادند.

بعد از سرمایه‌گذاری مبلغ 3 میلیارد دلار برای ویرانی افغانستان در هنگام جنگ سرد، و اشنگتن و متحدین اش حالا برای احیای مجدد، جهت تأمین فوند مالی به اقدام خسیسانه و مسمکانه مبادرت ورزیده، چنانچه در کنفرانس "توکیو" در سال 2002، دو نران بین‌المللی تنها تا دیه مبلغ 4 میلیارد دلار را از رقم 10 میلیارد دلار مورد ضرورت برای بازسازی افغانستان طی جریان پنج سال، مورد تصویب قرار دادند.

علاوه بر آن مبلغ 22 میلیارد دلار پول مصرفی ایالات متحده امریکا طی سالهای 2003-2007، به طور سریع به بخش‌های فعالیت‌های نظامی چرخش نمود که بطور نمونه تنها مبلغ 237 میلیون دلار از مجموع کل پول متذکره در بخش زراعت تخصیص یافت. (طوریکه در عراق مقدار هنگفت از هزینه ساختن درکیسه قرار دادیان خارجی و دلالان داخلی شان سرازیر گردید).

تحت چنین شرایطی هیچ‌کس نباید تعجب نماید که در جریان سال اول تجا و زامریکا بر افغانستان، تولیدات تریاک افغانستان به 3400 تن ارتقا نمود. در جریان 5

سال دو نران جامعه جهانی با ید مبلغ 8 میلیارد دالر برای احیای مجد افغانستان کمک می نمودند ، در حالیکه تولید ترپاک دو برابر این مبلغ افزایش نمود ، ومبلغ 14میلیارد دالرمستقیمادراقتصاد روستای بدون تصرف آن ازجانب متخصصین غربی وحکومت بیرو کرا تیک کابل داخل گردید .

بعد از 5 سال اشغال افغانستان بوسیله امریکا ، تولیدات مواد مخدر افغانستان ، به یک تناسب بی سابقه ارتقا نموده است ، در اگست 2007 ملل متحد راپور داد که ساحه محصولات ترپاک حدود 20000 هکتاررا تحت پوشش قرار داده است البته ساحه که بزرگتر از تمامی ساحه مورد زرع کواکب در امریکای لاتین است . از مقدار 185 تن در آغاز تجاوز امریکا در افغانستان ، این رقم به 8200 تن ترپاک ارتقا نمود که 53% محصولات ناخالص ملی و 93% هیروئین جهان را در بر میگیرد؛ که به این طریق افغانستان به صورت واقعی به اولین " کشور مخدر " جهان مبدل گردید . هر گاه ترا فیک کواکب در کشور کولمبیا 3% عواید ناخالص ملی را احتوا نموده و آن را به یک کشور ضعیف و شرارت پاپان پذیر ، با " کارتل " های نیرومند که قادر اند تا حکومت آن کشور را به فساد گسترده آغشته نمایند ، پس حالا ما باید عواقب تاثرات آنرا در کشور افغانستان که بیش از 50% محصولات کامل اقتصادی کشور را در بر میگیرد به سنجش بکشایم؛

**در ماه مارچ در یک کنفرانس مواد مخدر در کابل ، رئیس فدرال سرویس مواد مخدر کشور روسیه تخمین کرد که میزان ارزش محصولات ترپاک در افغانستان در حال حاضر به « 65 » میلیارد دالرا ارتقا نموده که از جمله آن مبلغ بزرگ تنها 500 میلیون آن به کیسه دهاقین ، 300 میلیون آن به کیسه جنگ جو پانطالب و « 64 » میلیارد دالر آن به جیب مافیای مواد مخدر سرافراز شده که بدینوسیله منبع بزرگ مالی را تدارک جسته تا حکومت مرکزی را با ملتی که محصولات ناخالص ملی ش تنها 10 میلیارد دالر است به چالش کشیده ، به فساد آغشته نماید .**

**در حقیقت تاثرات معاملات ترپاک چنان سرایت بخش است که بسیاری مامورین افغان ، از رهبران محلی گرفته تا رئیس پولیس کابل ، تا وزیر دفاع و برادر رئیس جمهور آقای حامد کرزی در تجارت آن درگیر شده اند .**

این فساد چقدر سرطانی و فلج کننده است که بطور گنج کننده بر اساس تخمین اخیر ملل متحد ، افغانها از پرداخت مبلغ « 2.5 » میلیارد دالر رشوه ( برای مامورین حکومت - م ) رنج میبرند . بطور نه چندان تعجب انگیز تلاشهای اخیر حکومت برای قلع و قمع ترپاک از طریق ملل متحد مورد سوء ظن واقع شده

است، چنانچه ملل متحد آنرا «**معاملات فساد میان صاحبان زمین، سران محلی و تیم نا بود سازی**» نامیده است؛

بعد از ریکارد محصولات در سال 2007، تولیدات تریاک در حقیقت طی سال گذشته از رقم 8200 تن به 6900 تن کاهش نمود (هنوز با لاتر از 90% تولیدات تریاک در جهان). تحلیلگران ملل متحد این رقم کاهش 20% را به تلاش های محو سازی کشت خشخاش نسبت داده که به احتمال قوی عوامل اصلی آن از اشباع کاملاً هیروین در مارکیت های جهانی نشئت نموده که از ارتقای رشد سرسام آورتولید تریاک در افغانستان سرچشمه گرفته و باعث تنزل 34% نرخ آن در مارکیت های جهانی شده است؛ حتی با اینهمه با وجود این کاهش، تولید تریاک افغانستان با لاتر از میزان تقاضای جهان که براساس تخمین ملل متحد سالانه 5000 تن میباشد، احراز موقعیت نموده است؛

راپورهای مقدماتی سال 2010 در خصوص تولید تریاک افغانستان که زرع آن ماه آینده آغاز می یابد، مبین آنست که مشکل مواد مخدر در افغانستان رفع شدنی نیست. برخی از ما مورین ایالات متحده امریکا که از نزدیک "قلب تریاک" در هلمند را بازدید نموده اند، از علامت توسعه کشت خشخاش در آن ولایت سخن می رانند. حتی متخصصین ملل متحد که تداوم کاهش مواد مخدر در افغانستان را پیشبینی نموده بودند اکنون نسبت به این تمایل، چندان خوشبین بنظر نمی رسند. قیمت مواد مخدر در افغانستان ممکن برای مدت چند سال کاهش نماید اما قیمت محصولات گندم و دیگر محصولات عمده ممکن بیشتر و سریعتر از آن سقوط نموده و خشخاش به حیث پرمفعت ترین محصول برای داهقین بی بضاعت افغانستان باقی خواهد ماند.

برای پایان بخشیدن چرخش مرگ و مواد مخدر با اینهمه نیروهای "اژده ها دندان" که در خاک افغانستان قرار دارد، چنان مینماید که وا شنگتن در میان این چرخ بی پایان مرگ و مواد مخدر گیر مانده است. هر بهار سال در میان کوه های بزرگ و مرتفع، برف ها ذوب میشوند، دانه های خشخاش جوانه میزنند و نیرو های تازه نفس طالبان به مزاح می ریزند، تعداد زیاد بوسیله آتش مرگبار توپخانه امریکای ها جان می سپارند، سال بعد برف ها دوباره آب می گردند. خشخاش های تازه بر زمین می رویند و نیرو های جوان طالب علیه امریکای ها سلاح بر میدارند، که خونریزی زیادی را در قبال میداشته باشد. این چرخ برای مدت 10 سال مکرراً در چرخش بوده است و تا اینکه تغییرات عمده بوقوع نپیوندد این سناریو تا لا یتناهی سیر خواهد نمود.

منبع: آسیا تایمز-مورخ اول اپریل 2010

\*\*\*\*\*

\*\*

\*

nur web